

درس 6

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خاوران می باشد))

شهید صدر در درس گذشته اعتماد بر قرینه منفصله را خلاف اصل عقلانی دانست و دلیل آن را مخالفت با ظهور حال متکلم بیان کرد و در همین راستا به اثبات حجیت ظهور حالی پرداخت. ایشان در این درس با بیان ادله حجیت ظهور لفظ و بررسی آنها در مقام اثبات حجیت ظهور حال یادآور می‌شود که فقط یکی از آن ادله - سیره عقلا - حجیت ظهور حالی را اثبات می‌کند. ایشان بعد از اثبات حجیت ظهور حالی به بیان اقسام ظهور کلام می‌پردازد و حالات آنها را بعد از آمدن مخصّص منفصل بیان می‌کند. مروری کوتاه بر مبحث سیره عقلا در حلقه ثانیه می‌تواند در فهم بهتر این درس مؤثر باشد.

## متن درس

لأن طريق إثبات قيامها في الظواهر اللفظية قد لا يمكن تطبيقه في المقام لعدم شيوع ووفرة هذه الظواهر الحالية المجردة عن الألفاظ لتتنزع السيرة من الحالات المتعددة، كما لا يمكن ان يكون إثبات الحجية لها بالأدلة اللفظية الآمرة بالتمسك بالكتاب و أحاديث النبي صلى الله عليه و آله و الأئمة عليهم السلام، كما هو واضح لعدم كونها كتاباً، و لا حديثاً، و انما الدليل هو السيرة العقلاني على ان لا يدخل في إثبات إمضاءها التمسك بظهور حال المولى، و سكوته في التقرير و الإمضاء لأن الكلام في حجية هذا الظهور. الظهور التضمني:

إذا كان للكلام ظهور في مطلب، فظهوره في ذلك المطلب بكامله ظهور استقلالي، و له ظهور ضمنى في كل جزء من اجزاء ذلك المطلب. و مثال ذلك أداة العموم في قولنا: «أكرم كل من في البيت» و نفرض ان في البيت مائة شخص فلأداة العموم ظهور في الشمول للمائة باعتبار دلالتها على الاستيعاب، و لها ظهور ضمنى في الشمول لكل واحد من وحدات هذه المائة، و لا شك في حجية كل ظواهرها الضمنية.

و لكن إذا ورد مخصص منفصل دل على عدم وجوب بعض افراد العام، و لنفرض ان هذا البعض يشمل عشرة من المائة فهذا يعنى ان بعض الظواهر الضمنية سوف تسقط عن الحجية لمجىء المخصص. و السؤال هنا هو ان الظواهر الضمنية الأخرى التى تشمل التسعين الباقين، هل تبقى على الحجية أو لا؟ فان قيل بالأول كان معناه ان الظهور التضمنى غير تابع للظهور الاستقلالى فى الحجية، و ان قيل بالثانى كان معناه التبعية، كما تكون الدلالة الالتزامية تابعة للدلالة المطابقة فى الحجية. و الأثر العملى بين القولين انه على الأول نتمسك بالعام لإثبات الحكم لتمام من لم يشملهم التخصيص، و على الثانى تسقط حجية الظواهر التضمنية جميعاً و لا يبقى دليل حينئذ على ان الحكم هل يشمل تمام الباقي أو لا؟ و قد ذهب بعض الأصوليين إلى سقوط الظواهر، و الدلالات التضمنية جميعاً عن الحجية

## حجیت ظهور حال محض

### بررسی ادله حجیت ظواهر الفاظ در جهت اثبات حجیت ظواهر احوال

1. سیره متشرعه: شرط استدلال به سیره متشرعه آن است که اولاً احراز کنیم آن ظواهر احوال در منظر و مسمع امام معصوم (ع) اتفاق افتاده و ثانیاً معصوم (ع) ردّ و نهی نسبت به آن نکرده باشد.

سؤال: آیا این دو شرط مذکور در سیره متشرعه، بر اعتماد به ظواهر احوال وجود دارد یا نه؟

جواب: به عنوان مقدمه بیان می کنیم که سیره متشرعه بر اعتماد به ظواهر کلام به راحتی قابل احراز است؛ چون در میان متشرعین ظواهر کلام زیاد بوده است و بمخاطر کثرت اعتماد بر ظواهر کلام می توان وجود چنین سیره ای را در زمان معصومین (ع) احراز کرد؛ ولی سیره متشرعه در اثبات حجیت ظهور حال، قابلیت و تحقق ندارد؛ زیرا فعلیت این سیره در مرئی و مسمع معصوم (ع) امری شاذ و نادر است و همین شدوذ مانع از آن شده است که بتوان وجود چنین سیره ای را در زمان معصومین (ع) اثبات کرد.

2. اخبار دالّ بر وجوب تمسک به کتاب و حدیث: ظاهر حال، نه کتاب است و نه حدیث؛ لذا نمی توان به آن تمسک کرد؛ پس با این دلیل هم حجیت ظاهر حال اثبات نمی شود.

3. سیره عقلا: بنای عقلا این است که به ظواهر احوال اعتماد می کنند؛ مثلاً از لبخند یک انسان رضایت او را درمی یابند و بنا را بر راضی بودن او می گذارند.

و از طرفی در تأیید سیره عقلا از طرف شارع احتیاج به امضا صریح شارع نمی باشد؛ بلکه اگر مورد ردّ و مخالفت قرار نگرفته باشد کافی است و ما می بینیم که هیچ گونه مخالفتی نسبت به سیره عقلا بر اعتماد به ظواهر احوال وجود ندارد؛ بنابراین می توانیم ظواهر احوال را حجت بدانیم؛ البته به شرط آنکه اساس سیره، استظهاری نباشد.

#### نکته:

اگر برای اثبات حجیت ظاهر حال - از راه سیره عقلا - به ظهور حال امام (ع) و ظهور سکوت مولا در تقریر و امضا تمسک شود (اساس استظهاری) دور پیش می آید؛ به این معنا که برای اثبات حجیت ظهور حال، از ظهور حال امام (ع) استفاده شده است. در این صورت دلیلی بر حجیت ظاهر حال نمی تواند باشد.

بنابراین برای صحت استدلال، اساس سیره باید عقلی باشد؛ به این صورت که سکوت معصوم، دال بر رضایت اوست؛ چرا که اولاً: اگر از فعل راضی نبود سکوت نقض غرض بود؛ ثانیاً: اگر راضی نبود از باب نهی از منکر، ردع می نمودند و ثالثاً: ظاهر حال سکوت، امضا است. در این مسئله حتماً باید به دو وجه اول تمسک کرد؛ زیرا سوی منجر به دور می شود.

## انواع ظهور کلام

الف. ظهور استقلالی: هرگاه کلام در یک مطلبی به طور کامل ظهور داشته باشد، ظهور آن را استقلالی می‌نامند؛ مانند ظهور جمله «اکرم کل عالم» در وجوب اکرام همه علما.

ب. ظهور تضمینی: هرگاه کلام در اجزاء - نه در تمام - یک مطلب ظهور داشته باشد این ظهور را ظهور تضمینی می‌گویند؛ مانند «اکرم کل عالم» که ظهور تضمینی در وجوب اکرام زید عالم، عمرو عالم، بکرعالم و ... دارد.

## رابطه ظهور استقلالی و قرینۀ منفصله

اگر مولا یک مخصص منفصلی برای کلام خود بیاورد، ظهور استقلالی کلام او از حجیت ساقط می‌شود؛ مثلاً اگر مولا بگوید: «اکرم کل من فی البیت» کلام او در وجوب اکرام همه افراد خانه (اعم از عادل و فاسق) ظهور استقلالی دارد که این ظهور با آوردن قرینه منفصله‌ای مانند «لا تکرّم فساد من فی البیت» ساقط می‌شود و افراد فاسق خانه از تحت عموم خارج می‌شوند و دیگر ظهور استقلالی حجیت ندارد؛ به این معنا که اکرام همه افراد خانه (اعم از عادل و فاسق) واجب نمی‌باشد.

## تبعیت یا عدم تبعیت ظهور تضمینی از ظهور استقلالی در حجیت

بعد از سقوط حجیت ظهور استقلالی عده‌ای قائل شده‌اند که ظهور تضمینی در حجیت خود، از ظهور استقلالی تبعیت می‌کند و از حجیت ساقط می‌شود. در نتیجه کلام مولا بعد از آمدن مخصص منفصل حتی در باقی‌مانده افراد هم فاقد حجیت است؛ یعنی نمی‌توانیم به کلام اول مولا برای اکرام افراد عادل در خانه تمسک کنیم و در این صورت نظیر تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابق در حجیت می‌شود؛ اما قائلین به عدم تبعیت ظهور تضمینی از ظهور استقلالی، معتقد هستند که سقوط حجیت ظهور استقلالی، تأثیری در حجیت ظهور تضمینی ندارد و کلام مولا در باقی‌مانده افراد همچنان قابل استناد است.

## نکته:

تبعیت ظهور تضمینی از ظهور استقلالی مانند دلالت التزامی است که در حجیت خود تابع دلالت مطابقی است.

## اثر عملی بین دو قول ( قول به تبعیت و قول به عدم تبعیت )

اگر معتقد به تبعیت شویم با سقوط حجیت ظهور استقلالی، ظهور تضمینی هم ساقط می شود و کلام مولا برای همیشه غیر قابل استناد می شود و ما نسبت به هیچ یک از افراد عام حتی مصادیق باقی مانده تکلیفی نداریم؛ ولی اگر معتقد به عدم تبعیت شویم با سقوط حجیت ظهور استقلالی ظهور تضمینی بر حجیت خود باقی خواهد ماند در نتیجه عام در افراد باقی مانده همچنان قابل تمسک است و ما نسبت به افراد باقی مانده مکلف هستیم.

Sco3: 24: 13

1. از میان سه دلیل حجیت ظهور لفظ (سیره متشرعه، اخبار دال بر وجوب تمسک به کتاب و حدیث و سیره عقلا) فقط سیره عقلا می تواند ظهور حال را حجت کند؛ منتهی به شرط آنکه اساس آن عقلی باشد، نه ظاهر حال امام (ع). (اساس استظهاری نباشد)
2. ظهور کلام در یک مطلب بر دو قسم است:  
 الف - ظهور استقلالی: هرگاه کلام در یک مطلبی به طور کامل ظهور داشته باشد آن را ظهور استقلالی می گویند.  
 ب - ظهور تضمینی: هرگاه کلام در اجزاء - نه در تمام - یک مطلب ظهور داشته باشد آن را ظهور تضمینی می گویند.
3. با آمدن مخصص منفصل، حجیت ظهور استقلالی ساقط می شود.
4. بعد از سقوط حجیت ظهور استقلالی گروهی قائل به تبعیت ظهور تضمینی از ظهور استقلالی شده اند و گروهی قائل به عدم تبعیت.
5. در نظر قائلین به تبعیت ظهور تضمینی از ظهور استقلالی، یک مخصص منفصل می تواند برای همیشه عام را غیر قابل استناد کند.
6. در نظر قائلین به عدم تبعیت ظهور تضمینی از ظهور استقلالی، بعد از آمدن مخصص منفصل، عام در مصادیق باقی مانده حجت و قابل استناد است.